

اسپینوزا

فلسفہ، الہیات و سیاست

کارل یاسپرس / ترجمہ محمد حسن لطفی

فهرست

۷	□ یادداشت مترجم
۹	۱ زندگی و آثار
۱۷	۲ فلسفه و زندگی علمی
۲۱	۳ دید مابعدالطبیعی
۲۱	الف جوهر، صفت، حالت
۲۳	ب خدا
۲۰	ح دو صفت جوهر
۳۴	د حالات
۳۶	ه رمان، ضرورت
۳۸	و حدایی میان خدا و جهان و مساله وحدت آن دو
۳۵	۴ نظریه شناسایی
۳۵	الف مراحل شناسایی
۵۰	ب ایده‌ها
۵۳	ح ارتباط «شناسایی» با خدا
۵۴	د اسپینوزا فلسفه خود را به روش هندسی تشریح می‌کند
۵۷	ه عرفان، حرزگرایی، اندیشیدن فلسفی
۶۴	۵ اسان
۶۴	الف اسان جوهر نیست، حالت است
۶۵	ب اندیشیدن اسانی و اندیشیدن حدایی
۶۶	ح آدمی روح و تن است
۷۰	د اسان و حیوان و فرق آدمیان با یکدیگر
۷۲	ه مرگ، ناپذیری و سرمدت

- ۶ آزادی از قید عایت و اررش ۷۵
- الف عابت و اررس، بسداوربهای است ناشی از اشتباه آدمیان ۷۵
در اندیشیدن درباره خدا
- ب فهم ما به عنوان «حالت»، فهم محدودی است ۷۸
- ح واقعت و اررش ۸۰
- د به هم پیوستگی دو نحوه شناسایی ۸۱
- ه اخلاق فارغ از فید اررش ۸۲
- ۷ بدگی و آزادی روح ۸۴
- الف نظر به عواطف ۸۹
- ب تشریح بدگی ۹۲
- ح انده و امکانهای آزادی ۹۳
- ۸ دین و دولت ۱۰۴
- بحث نخست اندیشه اسپسورا درباره جامعه و دولت ۱۰۸
- الف اصول ضرورت بدگی اجتماعی ۱۰۹
- ب نمونه های دولت ۱۱۷
- ح اسپسورا و هابر ۱۲۰
- بحث دوم دین و جامعه ۱۲۲
- الف دین و حرد ۱۲۵
- ب تفسیر کتاب مقدس (عهد قدیم و عهد جدید) ۱۲۷
- بحث سوم تشریح و بزرگی اندیشه دینی و سیاسی اسپسورا با نظر انتقادی ۱۳۰
- الف رابطه علم و فلسفه روشن بست ۱۳۰
- اسپسورا همچون پژوهشگر علمی ۱۳۴
- ب علم تاویل کتاب مقدس، ایمان، فلسفه ۱۳۶
- ح ایرادهایی که به اندیشه اسپسورا درباره خدا گرفته اند ۱۴۰
- د تصمیمهای شخصی اسپسورا و سر نوشت او ۱۴۸
- ه اسپسوزا و مسئله یهودیان ۱۵۲

زندگی و آثار

اسپیورا (۱۶۷۷-۱۶۳۲) از تبار یهودیان اسپانیایی است که به پرتغال رانده شده بودند پدر و مادرش از آنجا به هلند مهاجرت کرده بودند او خود در دامن فرهنگ یهودی-اسپانیایی به‌بار آمد و کتاب مقدس عهد عتیق را به زبان عبری، و تلمود و آثار معسران مذهبی یهودی، و ادبیات اسپانیایی را فراگرفت و در پانزده سالگی ستاره آینده معد یهود شمرده می‌شد

به‌سبب اختلاف عقیده با عالمان دین یهودی و قصور در حضور در معد از جامعه یهودی رانده شد همکیشانش کوشیدند او را بر صراط مستقیم نگاه دارند و آماده شدند که اگر گاه به‌گاه در معد حضور یابد حقوقی سالیانه به‌او سپردارند اسپیسورا این پیشنهاد را رد کرد و چون یکی از متعصبان در صدد کشتش برآمد از آمستردام بیرون رفت و به دوستی پناه برد و معد یهود تکفیرش کرد، و چون این

۱ تکفیرنامه را به‌قتل از کتاب تاریخ فلسفه ترجمه دکتر عباس رریاب حویی، به‌شرح زیر می‌آوریم

شیوخ مجمع روحانیان به‌این وسیله به‌اطلاع می‌رسانند که پس از آنکه اطمینان کامل حاصل کردند که باروخ اسپیسورا دارای عقاید و اعمال ناسانیسی است، نخست به‌طریق و مواعید گوناگون کوشش کردند تا او را از این راه بد برگردانند ولی از هدایت او به‌راه راست عاجز شدند و برعکس روز به‌روز اطمینان بیشتری پیدا کردند که وی عقاید کفرآمیز خطرناکی دارد و آنرا با پیسر می در میان مردم نشر و تبلیغ می‌کند و بسیاری از اسخاص فاضل اعداد و عادل در حضور اسپیسورای مذکور به‌این امر شهادت دادند به‌همین جهت کاملاً مجرم شناخته شد بنابراین نسبتاً کاملاً در حضور مجمع روحانیان مطرح شد و همه به‌اتفاق آرا رأی دادند که اسپیسورای مذکور را لسن و تکفیر کنند و او را از قوم اسرائیل قطع و جدا سازند و با لمتنامه ذیل او را لسن و نفرین نمایند

بنا به‌حکم فرشتگان و دستور اولیای دین، ما همه اعضای مجمع روحانیان در حضور کتاب مقدسی که ششصدوسزده حکم دارد باروخ اسپیسورا را لسن و تکفیر و تنسیق می‌کنیم و او را به‌همان نحو لعنت

تکفیر از لحاظ حقوق مدنی نتایج سوئی داشت اسپسورا اعتراض کرد عوان دفاعنامه‌اش که از میان رفته حاکی از این است که انتکار در پشت کردن به معبد از سوی اسپسورا بوده است، آن عوان چنین است «دفاعنامه به‌منظور توحه حداشدن از معبد»

حواهرانش با استناد به تکفیر در مقام انکار حق او در ارثیه پدری برآمدند و اسپسورا در مقام شهروند هلندی حقش را در دادگاه به ثبوت رساند و آنگاه به‌آزادی از سهم ارث خود چشم پوشید و تنها تحت‌حواسی برداشت درباره حواهرانش هیچ‌گاه سحی نگفته است مگر در پایان زندگی که آنان را در وصیتنامه‌اش منظور نکرد «آنان چنان رفتار نکرده‌اند که» در عمل، بی‌آن‌که شکایتی به‌ریان سیاورده، دور از حویشانس می‌ریست

اسپیورا معاش خود را چگونه می‌گذراند؟

اشتیاقش به‌استعمال اقتضا می‌کرد که از لحاظ مالی متکی به‌خود باشد تراشیدن شیشه عینک و دوربین و دره‌بین آموخت که در آن زمان چیر تازه‌ای بود و در این صنعت استاد شد ولی آن‌را وسیله تأمین معاش بساحت بلکه دوستاش یاریش می‌کردند بارها پول پیشهادش کردند پاره‌ای را رد کرد، و از سیمون دو وریس^۲ پذیرفت آماده شد وارث او بشود زیرا به‌حکم طبیعت و قانون دارایی او به‌برادرش می‌رسید پس از فوت سیمون، برادرش می‌خواست به‌اسپیورا سالیانه پانصد گولدن بپردازد اسپسورا مبلغ را به‌سیصد گولدن پایین آورد یان دو ویت^۳ در سندی دو‌یست گولدن مستمری برایش معین کرده بود و چون وارثانش از ادامه پرداحت خودداری کردند اسپسورا سمد مستمری را به‌آنان پس داد و از

→ می‌نمایم که الیسع فرزندان را کرد و تمام بریهای مذکور در «سفر احکام» را در حق وی جاری می‌ساریم لغت و نفرین باد بر او در سب و در رور، در حواب و بیداری در حال دحول و حروح! خدا هرگز او را به‌خند و بندیرد؛ آسی جسم و عصب خدا او را فراگیرد و تمام بریهای مذکور در «سفر احکام» را بر او بارل کند نام او را از آسمانها برداند! خدا او را به‌علت اعمال رستنی از تمام طوایف اسرائیل براند و نفرین سناوات را که در «سفر احکام» مذکور است بر او بار کند و تمام کسانی که به‌خدا ایمان آورده‌اند آمرزیده شوند!

به‌این وسیله به‌اطلاع همه می‌رسایم که هیچکس نباید با او گفتگو کند، کسی نباید با او مکاتبه دانسته باشد؛ هیچکس نباید به‌او خدمتی کند، هیچکس نباید با او در زیر یک سقف بنشیند کسی نباید بیشتر از چهار ذراع به‌او نزدیک شود هیچکس نباید نوشته‌ای را که او املا کرده است یا به‌دست خود نوشته است بخواند

2 Simon de Vnes

مستمری چشم پوشید، و بر اثر این اقدام وارثان دو ویت پرداختن را از سر گرفتند اسپینورا با قناعت و بی‌بیاری فوق‌العاده زندگی می‌کرد و می‌گفت: «مرد به‌جامه بیست برای چیری بی‌ارزش پوشش گرانبها چه لازمست؟» ولی حامه فقیرانه و زندگی محقرش منظم و پاکیزه بود تنها در یک مورد پول خرج می‌کرد کتابخانه‌ای گرانبها از کتابهای برگزیده ار او ماند

اسپینورا پس از تکمیل زندگی آرام و با قناعت در نقاط مختلف هلند در اطافهای احاره‌ای گذراند ۱۶۶۰-۱۶۵۶ در خانه‌ای روستایی میان آمستردام و اورکرک^۴، از ۱۶۶۰ در ریسیورگ^۵ در سردیک لیدن، از ۱۶۶۳ در ووربورگ^۶ در دیک لاهه، از ۱۶۶۹ در لاهه محست در پانسیون در خانه نیوه‌ری و سپس از ۱۶۷۱ در خانه‌هایریش فان در سپیک^۷ نقاش در اینجا اسپینورا کارهای خانه خود را بر خود می‌کرد و در سال ۱۶۷۷، در چهل و پنج سالگی، در همین خانه به بیماری سل درگذشت

اسپینورا سر نوشت خود را سخواست بود ولی آنرا همچون چیری گیر ناپدید تحمل می‌کرد این سر نوشت حدایی از هر گوه جامعه دیسی و از قوم و تبار و خانواده بود یهودیان او را از خود راندد، و مسیحی شد، ولی شهروند هلند بود و همه تکالیف اجتماعیش را از جان و دل ادا می‌کرد و از حقوق اجتماعیش دفاع می‌کرد

کشور هلند در نتیجه جنگ با اسپانیا^۸، و اعلام استقلال سیاسی، پدید آمده بود منای این اعلام استقلال حواستاری آزادی سیاسی بود نه انگیره قومی و ملی از ۱۵۶۸ که کشور هلند تحت رهبری خانواده سلطنتی اورانیس^۹ در نتیجه جنگ با اسپانیا پدید آمد بی‌روی دفاعی در آنجا نقش اصلی را داشت پس از آن که در ۱۶۴۸ کشور به واسطه معاهده صلح وستفالی به رسمیت شناخته شد و امنیت سرحداتش

4. Ouderkerk

6. Voorburg

5. Rijnsburg

7. Heinrich van der Spyk

۸. این جنگ داستان دزازی دارد و طالبان نوصیح باید به تاریخ هلند رجوع کنند مقصود در اینجا مبارزه مردمان هلند و بلژیک برای کسب استقلال سیاسی و جنگ با فیلیپ دوم شاه اسپانیاست که حکومت هلند را پدرس شارل بنجم به او بخشیده بود - م

9. Oranien